

۲۰. مهر خدا

یکی از بدعت‌هایی که در کلیسای دوران سوم و چهارم (که در برنامه های گذشته بیان کردیم) رخنه کرد همانا تقدیس روز یکشنبه یا روز خورشید بود. در این روز جشن بت پرستی و نشان یا علامت ارتداد برگزار میشود. آن روز بجای روز سبت یا شنبه که روز هفتم هفته می باشد و یاد آورنده خالق و خلقت هفت روزه جهانست به ناحق جایگزین شد.

قرنها پیش از آن دانیال نبی الهام یافته در باره اولین چهار دوران عصر مسیحیت پیش بینی کرد که تشکیلات کلیسایی بناست در شهر روم تمرکز یابد و قصد تبدیل کردن زمانها و شرایع را خواهد داشت. (دانیان ۲:۲۵). به کلمات دیگر سعی خواهد کرد آن قسمت شریعت را که به زمان یا وقت مربوط است تغییر دهد. سرانجام صحت این نبوت در ادعای کلیسای کاتولیک روم بوضوح هویدا شد که آن را از انتشارات رسمی ایشان نقل میکنیم: «کلیسا آئین و نگهداری سبت را به یکشنبه با حق الهی و اعتقاد به این اصل که پاپ خطا نمی کند و به آن قدرتی که از بانی خود عیسی مسیح در یافت نموده عوض کرد.»

دقیقاً نکته قابل توجه این جاست که در همان دورانی که کلیسای کاتولیک روم خواست شریعت ابدی خداوند را تغییر دهد (که تقریباً تمام عالم مسیحیت آن را قبول و پیروی مینماید) نهضتی در عربستان برعلیه این تشکیلات مجلل ظاهر شد تا با آن مبارزه کند. اصل موضوع مورد ملاحظه همانا خالقیت خداوند بود که روز سبت یادگاری آن واقعه میباشد. در مقابل حکومت روم که مردم را مجبور میکرد فرمانهای خود را با تحدید به

مرگ اطاعت کنند فرمانروایان مسلمان آزادی دین و عقیده بیسابقه ای را ترویج دادند. قسمتهای بزرگ افریقای شمالی و خاور میانه که تحت حکمروائی مسلمانان خداترس قرار گرفته بود از حکومت استبدادی روم و بیزنطین محفوظ ماندند.

چون همه مسیحیان یکسان نبودند و نیستند، سپاهیان فاتح اسلام این دستور واضح را داشتند: «همه اهل کتاب یکسان نیستند. برخی از ایشان گروهی اند که قیام کننده اند در ساعات شب آیه های خدا را می خوانند در آنحال که ایشان بسجده پرداخته اند بخدا و روز واپسین میگردند و بنیکوئی فرمان می دهند و از کردار زشت باز می دارند و در نیکوکاری و اعمال خیر میشتابند. آنگروه از جمله شایستگانند.» (سوره آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴). در خاور میانه، سوریه، لبنان، بین النهرین، افریقای شمالی و اماکن پراکنده و دوردست جماعتی از ایمانداران امین که برآز و نیاز و مطالعه کلام خداوند می پرداختند، یافت میشدند. هر گاه نظامیان رومی آنان را می یافتند تحت شکنجه قرارشان می دادند یا قتل عامشان میکردند. آنان همواره از فرمانروایان مسلمان لطف و محبت دیده بودند و موضوع جالب آنکه شنبه و یکشنبه علامت مشخص کننده ای بود.

از فرمان رهبر مجیدشان چنین استنباط شد که ایمانداران همه یکسان نبودند. فرقی بین اصحاب کتاب وجود داشت. کسانی را که می باید آزاد گذاشت نسطوریان بودند که مورد تنفر روم قرار گرفته بودند. بین آنان و برخی از حبشی ها عده ای وجود داشت که بوحدانیت پروردگار معتقد و روز هفتم یا شنبه را طبق حکم ابدی خداوند حفظ و رعایت مینمودند.

نکته جالب دیگری در نبوت انجیل نسبت به اسلام و فعالیت خود در مبارزه با است که در عبرانی

می خوانند(مکاشفه ۹:۱۱). از اینکه هاویه

بعرستان اشاره میکند ذکری بردیم ولی پادشاهی که داشتند و یا رهبری که مسلمانان را هدایت مینمود همانا پیغمبر اسلام محمد بن عبدالله بود. حتی خلفای بعد از حضرت محمد به بزرگی مقام وی اعتماد کامل داشتند. وی سرمشق ایشان بود. فرمایشات وی هادیشان بود. شخص خود نبی در تمام تاریخ اسلام نظیر نداشته است. در همان زمان فتوحات وی اخگری بود که دنیای متمدن را منور و درخشان گردانید.

بزبان یونانی دو معنی دارد - فرشته و رسول. حقاً عالم عرب پیغمبر

هر دو معنی هلاک کننده دارند. از نقطه نظر

ایمانداران او واقعاً رسول یا ستاره ای از آسمان بود ولی از نقطه نظر مسیحیان مرتد هلاک کننده ای بود.

در بسیاری از پیامهایی که خداوند برای جهانیان فرستاده، آنان را از کیفر کارهای ناشایستشان با خبر ساخته است. نهضت اسلام برای ممالک مرتد که بذر بیدینی پاشیده بودند عامل بدی و ویرانی محسوب میشد. ولی برای مؤمنین بشارت برکات ابدی بود.

بیش از چهارده قرن از موعظه آن مژده آسمانی می گذرد. امروز دنیا مجدداً به نهضت دیگری محتاج است که شامل تمام ایمانداران از هر امت و زبان و قوم و قبیله باشد - یعنی ایماندارانی که حاضرند ایمانشان را بمرحله عمل در آورند - نهضتی که قدرت بمردم همه جهان بدهد تا از استعمال مخدرات و مسکرات و امیال و کردار اهریمنی اجتناب ورزیده و در پاک زیستی روان و بدن، داوطلبان فردوس باشند

عنوان برنامه آینده ما «نقشه خداوند» میباشد. منظور از آن نهضتی است که باید تمام دنیا را فرا گیرد. هر فردی میتواند با همکاری با خداوند سهم مهمی در آن داشته

باشد. السلام عليكم و رحمت اللّٰه و بركاته. خدا حافظ شما باشد.